

[View the original article](#)

فراتر از خبر

از حذف گوشت تا تعویق ازدواج؛ فشار تورم بر زندگی روزمره در تهران

دنا ماندگار

۲۷ شهریور/۱۴۰۵



نمایی از بازار تجریش در تهران

شاخص فلاکت ایران در تیرماه ۱۴۰۵ به ۹۶ درصد رسید. این عدد در بهار امسال ۹۰ درصد بود. تهران با شاخص ۸۳.۵ درصد در پایین‌ترین جایگاه این جدول قرار دارد؛ با این حال، شهروندانی که با راديو فردا گفت‌وگو کرده‌اند، وضعیت اقتصادی را «غیرقابل تحمل» توصیف می‌کنند. «پول نداریم»، عبارت آشنایی است که دیگر خجالت‌آور نیست.

سایت اقتصادی «تجارت‌نیوز»، شاخص فلاکت در تیرماه را محاسبه کرده است. این شاخص، از مجموع نرخ تورم و نرخ بیکاری که توسط سازمان آمار منتشر می‌شود، به دست می‌آید. در این جدول، استان ایلام با رقم ۱۲۰.۶ درصد، صدرنشین بوده و تهران با شاخص ۸۳.۵ درصد در پایین جدول قرار دارد.

قیمت اقلام اعم از مصرفی و خوراکی در ایران، متأثر از نرخ دلار است. با توجه به نوسانات مداوم نرخ ارز، تغییرات افزایشی قیمت در ایران از سالانه و ماهانه به روزانه و ساعتی تبدیل شده است. همزمانی جنگ، تشدید تحریم‌ها، و گذر دلار از نرخ ۲۰۰ هزار تومان، تجربه تازه‌ای از رشد قیمت‌ها را برای مردم ایران رقم زده است.

بخشی از جامعه، شروع به حذف برخی فعالیت‌ها و حتی اقلام ضروری زندگی کرده‌اند. تعدادی از شهروندان تهرانی در گفت‌وگو با رادیو فردا، از چگونگی تامین معاش روزانه خود و حذف برنامه‌های بلند مدت‌شان می‌گویند. نام افراد بنا به درخواست آن‌ها به صورت مستعار در گزارش آمده است.

بیشتر در این باره:

کاهش صادرات نفت و افت ارزش ریال «فشار بر اقتصاد ایران را تشدید کرده است»



سیاست حذف و تعدیل نیازها

شاخص فلاکت، نشان‌دهنده فشار اقتصادی است که در یک سوی آن نرخ بیکاری قرار دارد و سوی دیگر نرخ تورم و فشار افزایش قیمت‌ها، در بین این دو فشار مداوم و افزایشی، شهروندانی قرار دارند که ظرف یک سال اخیر زیرسایه جنگ و شروع آن زندگی کرده‌اند.

خانم سولماز، کارمند یکی از ادارات دولتی است. او می‌گوید که در شرایط افزایش ثانیه‌ای قیمت‌ها، سیاست حذفی را پیش گرفته است. سولماز، می‌گوید: «جمع‌های دوستانه در کافه و رستوران، باشگاه ورزشی و حتی سفر با اسنپ، به دلیل قیمت‌های بالا حذف شده‌اند». مصرف گوشت و مرغ در خانواده آن‌ها به نصف کاهش یافته است. آن‌ها مصرف ماهیانه ماهی را قطع کرده‌اند. او می‌گوید که ماهی در سبد خرید خانواده‌هایی با تمول مالی بالا قرار دارد.

هر سفر او از مرکز شهر تا غرب تهران، حدود ۳۰۰ هزار تومان هزینه دارد. با وجود آن که از مترو و بی‌آرتی برای سفرهای شهری استفاده می‌کند، هزینه ماهانه رفت و آمد او حدود چهار تا پنج میلیون تومان است. پس از شروع حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران و آغاز جنگ در ۹ اسفند پارسال، با تصمیم شورای شهر تهران، استفاده از خدمات مترو و بی‌آرتی رایگان شد.

جمع هزینه‌های او که شامل پرداخت اقساط و مشارکت در تامین بخشی از خرید ماهانه خانه می‌شود، معادل ۵۰ میلیون تومان است که کل دریافتی یک ماه او است. او مجرد است و در خانه پدری زندگی می‌کند.

خانم بازنشسته‌ای در جنوب شرقی تهران، مستاجر است. حقوق ماهانه‌اش، هزینه اجاره خانه‌اش می‌شود و هزینه‌های خوراک را سه فرزندش به صورت مشارکتی تامین می‌کنند. در این خریدها، گوشت قرمز جایی ندارد. او معمولاً از سویا در پخت و پز استفاده می‌کند و یک یا دو نوع میوه نیز در ماه خریداری می‌کند.

زندگی در تهران برای همه همراه با سیاست حذف و تعدیل نیست. در حالی که بخشی از جامعه اعلام می‌کند که به دلیل افزایش قیمت‌ها، بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایش را حذف کرده و نسبت به گرانی‌های روزانه واکنش منفی نشان می‌دهد، گروهی دیگر همچنان برنامه‌های رستوران، مهمانی و آرایشگاه ماهانه‌شان را انجام می‌دهند. جشن تولد کودک پنج ساله آرش با حضور ۲۵ مهمان در رستوران ۴۰۰ میلیون تومان هزینه داشته است.

بیشتر در این باره:
چگونه لوازم خانگی یکی یکی از زندگی ایرانیان حذف می‌شوند؟



زندگی قسطی در تهران

در سال‌های اخیر، فروشگاه‌های آنلاین اسنپ و دیجی کالا، خدمات فروش اقساطی برخی اقلام از جمله وسایل خانه، وسایل برقی، لباس و طلا را به لیست خدمات خود اضافه کرده‌اند. این لیست با افزوده شدن مواد غذایی و خوراکی از جمله گوشت، مرغ و روغن تکمیل شده است.

کارن ۱۸ ساله، وضعیت اقتصادی را «فاجعه‌بار» می‌داند و می‌گوید: «بدترین بخش آن است که مردم به این وضعیت عادت کرده‌اند و برایش جوک می‌سازند».

آینده‌ای که او برای خودش می‌بیند، «هیچ» است. کارن در حال آماده شدن برای ورود به دانشگاه است، اما اصراری برای قبولی ندارد. در شرایط فعلی، برنامه‌ها و آرزوهایش برایش تبدیل به رویای دست‌نیافتنی شده‌اند. او می‌گوید: «با هر نوع تلاش و دویدن نمی‌توان به قیمت‌های فردایی رسید. برای خرید هر چیزی برنامه‌ریزی و پس‌انداز می‌کنم، احتمال خریدش روزانه و با افزایش قیمت از بین می‌رود. مثلاً برای خرید یک گوشی شیائومی که ۱۰۰ میلیون تومان قیمت دارد، چند ماه باید تمام وقت کار و پس‌انداز کرد؟ در حالی که خیلی گران است، اما فقط یک وسیله میان رده و ارتباطی است. در این وضعیت، چطور می‌توان به آینده و آرزوها فکر کرد؟ روزی تصور می‌کردم هیچ چیز نمی‌تواند مانع دستیابی به خواسته‌هایم شود، حالا اصلاً نمی‌توانم به آن‌ها فکر کنم، آن قدر بعید و دور هستند».

در بازار کنونی، خرید بسیاری از اقلام به صورت نقد مقرون به صرفه نیست و جمعیت زیادی از جامعه توان پرداخت نقدی ندارند، به همین دلیل خرید به شیوه قسطی رواج پیدا کرده است.

رویا همه درآمدش صرف پرداخت اقساط می‌شود. نگرانی او آن است که در صورت وقوع یک حادثه و نیازمندی به پول نقد، امکان تامین آن را ندارد، زیرا در این ماه‌ها از همه پس‌اندازش استفاده کرده است.

سخنگوی دولت مسعود پزشکیان مهرماه ۱۴۰۴، خط فقر ماهیانه برای هر «فرد» در سال ۱۴۰۳ را بیش از شش میلیون تومان اعلام کرد. قیمت دلار در این سال بین ۶۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در نوسان بود. با رسیدن نرخ دلار به ۲۳۰ هزار تومان، خط فقر جابه‌جا شده و شامل جمعیت بیشتری می‌شود.

فاطمه عزیزخانی، پژوهشگر حوزه بازار، به سایت خبری «رکنا» گفته است که خط فقر «خانوار» در سال ۱۴۰۵ برای کل کشور حدود ۳۲ میلیون تومان و برای شهر تهران ۶۲.۵ میلیون تومان برآورد شده است.

فرنوش ۱۸ ساله در خانواده‌ای مذهبی که جزو حامیان حکومت جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، زندگی می‌کند و می‌گوید: «همه شهروندان از شرایط اقتصادی ایران زخمی‌اند، آن هم با خونریزی بالا. حامیان، حکومت را مقصر و مسئول نمی‌دانند، بلکه از گرانی‌ها به تنگ آمده‌اند و معتقدند حضور تعدادی آدم اشتباهی در حاکمیت، مسوول دزدی‌ها، اختلاس‌ها و ناکارآمدی حکومت هستند و تلاش می‌کنند نارضایتی ایجاد کنند. در مقابل، مخالفان حکومت می‌گویند سرتا پای سیستم و ساختار مشکل دارد و فاسد است».

او می‌گوید در جمع‌های ۱۰ نفره‌شان در کافه، معمولاً نیمی از جمع سفارش خوراکی نمی‌دهند و دلیل‌شان روشن است، پول ندارند: «پیش‌تر گفتن این جمله سخت و خجالت‌آور بود، اما الان همه شبیه هم

شده‌ایم».

حرف زدن از وضعیت اقتصادی برای رامین عصبی‌کننده است. قیمت‌ها را دنبال نمی‌کند، اما می‌داند هر شانه تخم مرغ تا مرز ۷۰۰ هزار تومان رفته و اکنون بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان است. حقوق او به عنوان یک کارشناس فروش در یک شرکت دارویی، ۳۵ میلیون تومان است. رامین، سال گذشته نامزد کرده و قرار بوده امسال با برگزاری جشن عروسی، زندگی مشترک را شروع کند. حوادث امسال جشن او را به تاخیر انداخت. افزایش قیمت‌ها موجب شده که خرید گل و هدیه، کافه و رستوران را از مناسبات دوره نامزدی حذف کند. رامین و نامزدش تصمیم گرفته‌اند زندگی مشترک در یک خانه را شروع نکنند و هر کدام در خانه پدری خود بمانند. برنامه یک‌سال آینده این زوج، «فقط زنده ماندن» است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

اقتصاد ایران

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.